# جایگاه حسن معاشرت در فقه اجتماعی امام خمینی(ره)؛ از اصل ارزشی تا قلمروهای فقهی


## چکیده

### ۱.مقدمه و هدف

باوجود تأکیدات فراوان امام خمینی بر کرامت مؤمن، مدارا و خدمت‌گزاری در عرصه‌های مختلف اجتماعی، تاکنون صورت‌بندی نظام‌مند این آموزه‌ها در قالب یک اصل فقهی-اجتماعی انجام نشده است. هدف پژوهش حاضر، بازخوانی جایگاه حسن معاشرت در فقه اجتماعی امام خمینی و تبیین آن به‌عنوان اصلی ارزشی-اخلاقی جهت‌دهنده و هماهنگ‌کننده در نظام فقهی امام است.

### ۲.مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد فقهی-استنباطی و تحلیل محتوای اسنادی انجام شده است. داده‌های فقهی از آثار امام خمینی جمع‌آوری و تحلیل شده است.

### ۳.یافته‌های تحقیق

یافته‌ها نشان می‌دهد که حسن معاشرت در فقه امام خمینی، اصلی ارزشی-اخلاقی است که به‌عنوان جهت‌دهنده و هماهنگ‌کننده در نظام فقهی امام عمل می‌کند و الزامات شرعی آن در سه سطح تشکیکی از «حرمت» تا «استحباب» (بر اساس درجه الزام فقهی و دامنه مسئولیت اجتماعی) در قالب احکام تکلیفی مستقل و در پنج قلمرو خانواده، همسایگی، اقتصاد، تعامل با مخالفان و عرصه قدرت تجلّی می‌یابد.

### ٤.بحث و نتیجه‌گیری

اصل حسن معاشرت در فقه امام خمینی، از کرامت مؤمن نشئت گرفته و در پنج قلمرو خانواده، همسایگی، اقتصاد، تعامل با مخالفان و عرصه قدرت تعمیم می‌یابد. این اصل دارای سه سطح تشکیکی و تکلیف‌زایی جمعی است که مسئولیت همگانی در قبال کرامت و آسایش دیگران را به دنبال دارد. اعمال آن در برابر مفسدان مسلح، با قیود مواجه است. نوآوری پژوهش در ارائه مدل سه‌سطحی مسئولیت معاشرتی و پیوند آن با مسئولیت همگانی است.



**کلیدواژگان:** امام خمینی، اصل ارزشی-اخلاقی، حسن معاشرت، فقه اجتماعی، کرامت مؤمن.



نسخه غیر نهایی پیش از انتشار

**مقدمه**

حسن معاشرت به‌عنوان رفتاری مبتنی بر کرامت، مدارا و انصاف، یکی از بنیادی‌ترین آموزه‌های اسلامی است که در قرآن و سنت، جایگاهی والا یافته است (خمینی، ۱۳۹۷، ج۲، ص.۲۴). بااین‌حال، صورت‌بندی نظام‌مند این مفهوم در چارچوب فقهی و تبیین نسبت آن با مفاهیمی چون «حکم تکلیفی» و «قاعده فقهی»، همچنان در هاله‌ای از ابهام باقی مانده است.

در آثار امام خمینی، مفاهیمی چون کرامت مؤمن، مدارا، خدمت‌گزاری و معاشرت به معروف در ابواب گوناگون فقه مطرح شده‌اند. به نظر می‌رسد این مفاهیم، اجزای یک «اصل واحد» باشند؛ زیرا همه آنها بر ملاک وحدت‌بخش واحدی استوارند: «لزوم رعایت کرامت انسان مؤمن و پرهیز از هرگونه آزار و تحقیر او». برای اثبات این مدعا، چهار مرحله طی می‌شود: نخست، بررسی فتاوای پراکنده امام در ابواب مختلف فقه (خانواده، همسایگی، اقتصاد، تعامل با مخالفان و عرصه قدرت)؛ دوم، شناسایی «کرامت مؤمن» به‌عنوان ملاک وحدت‌بخش این فتاوای پراکنده؛ سوم، استخراج الگوی حاکم بر این احکام که همان «اصل ارزشی-اخلاقی حسن معاشرت» است؛ و چهارم، صورت‌بندی این اصل در قالب یک «اصل ارزشی-اخلاقی» که از مجموع فتاوای امام استخراج شده است.

آنچه این صورت‌بندی را به فقه اجتماعی امام خمینی اختصاص می‌دهد، سه ویژگی متمایز آرای ایشان است: نخست، گستره بی‌سابقه: حسن معاشرت در پنج قلمرو (خانواده، همسایگی، اقتصاد، تعامل با مخالفان و عرصه قدرت) مطرح شده است که در پژوهش‌های پیشین مورد توجه قرار نگرفته است. دوم، پیوند با حکومت: امام، حسن معاشرت را به عرصه حکومت و قدرت نیز تعمیم داده و آن را به‌عنوان وظیفه‌ای برای حاکمان و کارگزاران نظام اسلامی مطرح کرده است. سوم، مبنای کرامت‌محور: در اندیشه امام، مبنای حسن معاشرت «کرامت مؤمن» است که خود را در قالب احکام تکلیفی مستقل (مانند وجوب انظار معسر، حرمت اذیت همسایه و حرمت ایذاء مؤمن) تجلّی می‌دهد.

مسئله اصلی پژوهش حاضر، ابهام در جایگاه فقهی «حسن معاشرت» در نظام فقهی امام خمینی است. از یک سو، در فقه سنتی، احکام مرتبط با روابط اجتماعی عمدتاً در قالب قواعدی چون «لاضرر»، «لاحرج» و «حرمت ایذاء مؤمن» تبیین شده‌اند و عنوان مستقلی به نام «حسن معاشرت» در ردیف قواعد فقهی مصطلح دیده نمی‌شود. از سوی دیگر، در آثار امام خمینی تأکیدات فراوانی بر مفاهیمی چون «معاشرت به معروف»، «مدارا با مخالفان» و «خدمت‌گزاری به مردم» دیده می‌شود. این امر این پرسش را ایجاد می‌کند که آیا این مفاهیم صرفاً توصیه‌های اخلاقی غیرالزام‌آورند یا می‌توان آنها را به‌عنوان یک «اصل ارزشی-اخلاقی» با الزامات شرعی مستقل صورت‌بندی کرد؟ این ابهام به چالش تفکیک احکام الزامی از استحبابی در معاشرت اجتماعی و نیز عدم تدوین منسجم فقه روابط شهروندی در فقه سنتی بازمی‌گردد.

نسخه غیر نهایی پیش از انتشار

بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش آن است که جایگاه حسن معاشرت در فقه اجتماعی امام خمینی چیست و آیا می‌توان آن را به‌عنوان اصلی ارزشی-اخلاقی جهت‌دهنده و هماهنگ‌کننده در نظام فقهی امام صورت‌بندی کرد؟ پرسش‌های فرعی نیز عبارتند از: مبنای هستی‌شناختی این اصل چیست؟ مستندات فقهی آن کدام‌اند؟ قلمروهای اجتماعی آن در چه حوزه‌هایی قابل تطبیق است؟ و در صورت اثبات، این اصل از چه ساختاری برخوردار است؟

فرضیه پژوهش آن است که مجموعه مستندات فقهی امام خمینی احتمالاً ظرفیت صورت‌بندی «حسن معاشرت» را به‌عنوان اصل ارزشی-اخلاقی جهت‌دهنده و هماهنگ‌کننده دارا می‌باشد. پژوهش حاضر این فرضیه را آزمون می‌کند و در صورت تأیید، به تبیین ساختار، سطوح و قلمروهای آن خواهد پرداخت. در غیر این صورت، نشان خواهد داد که این مفهوم صرفاً مجموعه‌ای از احکام تکلیفی پراکنده و توصیه‌های اخلاقی غیرمنسجم است.

## ۱.پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه نشان می‌دهد که پژوهش‌های پیشین در دو دسته قابل تقسیم‌بندی است:

دسته نخست، به حسن معاشرت در خانواده و روابط زناشویی محدود شده‌اند. نوبهار و حسینی در پژوهشی با عنوان «قاعده «لزوم معاشرت به معروف» در روابط زن و شوهر» (۱۳۹۴) به بررسی این قاعده پرداخته و مهم‌ترین دلیل را آیه «عاشروهن بالمعروف» دانسته‌اند. سیدحسینی و محمدجعفری در پژوهشی با عنوان «واکاوی مفهوم «معاشرت به معروف» در آیه ۱۹ سوره نساء و نقش آن در تکالیف حقوقی زوجین» (۱۴۰۲) چهار معنا برای «معروف» برشمرده و معنای عرفی را مناسب‌ترین گزینه معرفی کرده‌اند. عظیم‌زاده اردبیلی در پژوهشی با عنوان «مبانی حسن معاشرت به معروف در نظام حقوقی خانواده از منظر قرآن کریم» (۱۳۸۷) با رویکردی تفسیری، اصل معروف را عامل موازنه در نظام خانواده دانسته است. برزوئی و عنبریان در پژوهشی با عنوان «تحلیل رابطه حسن معاشرت و تفاهم زوجین در اسلام» (۱۴۰۲) به تحلیل رابطه دوسویه حسن معاشرت و تفاهم زوجین پرداخته و نشان داده‌اند که ابراز محبت بیشترین تأثیر را در تقویت تفاهم دارد. ملکشاه و دیگران در پژوهشی با عنوان «واکاوی حسن معاشرت زوجین و نقش آن در سلامت معنوی خانواده» (۱۴۰۳) به بررسی نقش حسن معاشرت در سلامت معنوی خانواده پرداخته‌اند. اشرفیان در پژوهشی با عنوان «مصادیق جدید اصل حسن معاشرت زوجین در نظام حقوقی ایران» (۱۴۰۳) به بررسی مصادیق جدید آن در نظام حقوقی ایران پرداخته است.

دسته دوم، به تحلیل مفهوم «معروف» در قرآن و کاربردهای حقوقی آن پرداخته‌اند. رفسنجانی مقدم و محمدیان در پژوهشی با عنوان «پژوهشی پیرامون ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی تکلیف زوجین نسبت به حسن معاشرت با یکدیگر» (۱۳۹۴) ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی را تحلیل کرده و بر عرفی بودن مفهوم حسن معاشرت تأکید داشته‌اند. سیدحسینی در پژوهشی با عنوان «دیدگاه علامه طباطبایی در معنای «معروف» و تأثیر آن بر قلمرو قاعده معاشرت به معروف و تفسیر ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی» (۱۴۰۲) دیدگاه علامه طباطبایی را بررسی کرده است.

نسخه غیر نهایی پیش از انتشار

با وجود پژوهش‌های یادشده، خلأ پژوهشی در سه عرصه به‌چشم می‌خورد. نخست، غفلت از بازخوانی فقهی-اجتماعی حسن معاشرت در اندیشه امام خمینی و تعمیم آن به عرصه‌های همسایگی، اقتصاد، تعامل با مخالفان و حکومت؛ دوم، عدم توجه به تمایز این اصل از مفاهیمی چون «اصل اخلاقی»، «حکم تکلیفی» و «قاعده فقهی»، و نیز عدم تبیین مبنای اصولی جایگاه آن در نظام فقهی؛ و سوم، نادیده‌انگاشتن نسبت آن با مفاهیمی چون تکلیف جمعی، مسئولیت همگانی و قواعد پشتیبان. از این رو، پژوهش حاضر در صدد است این خلأ را پر کرده و به‌صورت نظام‌مند، جایگاه حسن معاشرت را به‌عنوان اصلی ارزشی-اخلاقی در فقه اجتماعی امام بازخوانی، مستندسازی و قلمروپردازی نماید.

## ۲.مبانی نظری

در این بخش، مفهوم‌شناسی وجایگاه حسن معاشرت در نظام فقهی امام خمینی بحث تبیین می‌شود.

### ۲-۱.مفهوم‌شناسی

#### ۲-۱-۱.حسن معاشرت

حسن معاشرت در لغت از دو واژه «حُسن» به‌معنای نیکی و «معاشرت» به‌معنای دوستی و هم‌نشینی تشکیل شده است (بستانی، ۱۳۷۵، ص.۳۳۰ و ۵۹۴) و در اصطلاح به رفتار نیکو و شایسته در تعامل با دیگران اطلاق می‌شود. در فقه، این مفهوم اغلب ذیل تعبیر قرآنی «معاشرت به معروف» (نساء/۱۹) مطرح شده که «معروف» به امری پسندیده در عرف و شرع تفسیر می‌گردد (نوبهار و حسینی، ۱۳۹۴، ص.۵۸). بااین‌حال، آنچه در این پژوهش محل بحث است، صرفاً معنای لغوی یا تفسیری حسن معاشرت نیست، بلکه جایگاه فقهی آن در اندیشه امام خمینی است.

#### ۲-۱-۲. اصل ارزشی-اخلاقی جهت‌دهنده و هماهنگ‌کننده

اصل ارزشی-اخلاقی جهت‌دهنده و هماهنگ‌کننده در نظام فقهی امام در پژوهش حاضر اصلی است که به‌عنوان الگوی ارزشیِ مستفاد از مجموعه احکام، نقش جهت‌دهی و هماهنگ‌سازی دارد. این اصل بر اساس آموزه‌های اخلاقی مورد تأکید در متون دینی (مانند کرامت، مدارا، عدالت) شکل گرفته است. برخلاف احکام تکلیفی، این اصل فاقد الزام شرعی مستقل بوده و به‌عنوان منبعی جهت‌دهنده در کنار قواعد فقهی (لاضرر، لاحرج، حرمت ایذاء) عمل می‌کند؛ نه اینکه خود مستند مستقیم حکم باشد. ازاین‌رو، این اصل با بهره‌گیری از مفاهیم اخلاقی هماهنگ با فقه (مانند حسن، قبح، کرامت، عدالت) به استنباط احکام عادلانه‌تر و انسانی‌تر جهت می‌دهد.

### ۲-۲.جایگاه حسن معاشرت در نظام فقهی امام خمینی

حسن معاشرت در آثار فقهی امام خمینی، به‌عنوان «قاعده‌ای فقهی مستقل» با صیغه و ارکان استنباطی تأسیس نشده است. در کلمات ایشان، بابی مستقل به نام «حسن معاشرت» یا قاعده‌ای با این عنوان دیده نمی‌شود. بااین‌حال، در ابواب گوناگون فقه

نسخه غیر نهایی پیش از انتشار

(خانواده، همسایگی، اقتصاد، تعامل با مخالفان و عرصه قدرت) فتاوایی صادر شده که با وجود پراکندگی موضوعی، از جهت‌گیری اخلاقی-فقهی واحدی برخوردارند و همگی بر لزوم مدارا، پرهیز از آزار و رعایت کرامت انسان‌ها تأکید دارند. این فتاوای پراکنده، که هر یک به‌تنهایی «حکم تکلیفی مستقل» هستند، با رویکردی تجمیعی در کنار یکدیگر قرار گرفته و الگویی تکراری را شکل می‌دهند. اما صرف تأمین رفتارهای مطلوب اجتماعی توسط این احکام، به‌تنهایی اثبات نمی‌کند که یک «اصل واحد» پشت آنها قرار دارد. برای اثبات این مدعا، باید ملاک وحدت در چهار بُعد نشان داده شود. جدول زیر این وحدت را برای چهار حکم نمونه نشان می‌دهد:

**جدول ۱. ملاک وحدت احکام ذیل اصل حسن معاشرت**

| حکم | موضوع | ملاک | مستند | نحوه استدلال |
|---|---|---|---|---|
| وجوب انظار معسر | رفتار با بدهکار ناتوان | کرامت مؤمن | آیه «فَنَظِرَةٌ إِلَى مَيْسَرَةٍ» (بقره/۲۸۰) و قاعده لاحرج | اگر کرامت بدهکار باید محفوظ بماند، فشار آوردن بر او حرام است |
| حرمت اذیت همسایه | رفتار با همسایه | کرامت مؤمن | روایات حقوق همسایه (حرعاملی، ۱۴۰۷، ج۲، ص.۷) | اگر کرامت همسایه باید محفوظ بماند، اذیت او حرام است |
| حرمت غیبت مؤمن | رفتار با مؤمن | کرامت مؤمن | روایات حرمت غیبت (نوری، ۱۴۰۸، ج۹، ص. ۱۳۳) | اگر کرامت مؤمن باید محفوظ بماند، غیبت او حرام است |
| حرمت تجسس در امور مؤمن | رفتار با مؤمن | کرامت مؤمن | آیه «وَلَا تَجَسَّسُوا» (حجرات/۱۲) و روایات | اگر کرامت مؤمن باید محفوظ بماند، تجسس در امور او حرام است |

همان‌گونه که جدول نشان می‌دهد، همه این احکام در چهار بُعد مشترک هستند:

نخست، وحدت در موضوع: موضوع همه این احکام، «رفتار انسان با دیگران» است؛ یعنی همه آنها به نحوه تعامل انسان با انسان دیگر (خواه همسایه، خواه بدهکار، خواه مؤمن) مربوط می‌شوند.

دوم، وحدت در ملاک: ملاک مشترک همه این احکام، «لزوم رعایت کرامت انسان مؤمن و پرهیز از هرگونه آزار و تحقیر او» است. به نظر می‌رسد که شارع در صدد صیانت از کرامت و آسایش انسان مؤمن بوده است.

سوم، وحدت در مستند: همه این احکام، مستند به ادله قرآنی و روایی مشترکی هستند که بر «حرمت اذیت مؤمن»، «لزوم مدارا» و «کرامت انسان» دلالت دارند؛ مانند آیه «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء/۱۹) و روایات متعدد درباره حرمت اذیت همسایه و مؤمن.

چهارم، وحدت در نحوه استدلال: همه این احکام، با یک منطق مشترک استنباط شده‌اند: اگر کرامت انسان مؤمن باید محفوظ بماند، پس هر رفتاری که به این کرامت آسیب بزند (اذیت، تحقیر، فشار، فریب) حرام است؛ و هر رفتاری که به حفظ این کرامت کمک کند (مدارا، مهلت‌دهی، احسان) مطلوب است.

بنابراین، ملاک وحدت این احکام، «کرامت مؤمن» است که در چهار بُعد (موضوع، ملاک، مستند، نحوه استدلال) قابل ردیابی است و انتزاع اصل واحد را توجیه می‌کند.

بااین‌حال، باید میان چهار مفهوم تفکیک قائل شد تا ماهیت دقیق «حسن معاشرت» روشن شود:

الف-«عنوان تجمیعی» عنوانی است که صرفاً از تجمیع احکام پراکنده به‌دست می‌آید، بدون آنکه ملاک وحدت واقعی پشت آن باشد. «حسن معاشرت» این‌چنین نیست؛ زیرا ملاک وحدت واقعی (کرامت مؤمن) در چهار بُعد نشان داده شد.

ب-«عنوان اصطیادی» عنوانی است که فقیه از استقراء در فتاوای خود یا فقیه دیگر، آن را استخراج می‌کند (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۴، ص.۷۷) و می‌تواند در نهایت به «قاعده فقهی» تبدیل شود. «حسن معاشرت» این‌چنین نیست؛ زیرا کارکرد حل‌مسئله در موارد فقدان نص ندارد و از شمول کامل برخوردار نیست. بنابراین، «عنوان اصطیادی» نمی‌تواند ماهیت این مفهوم را به‌درستی نشان دهد.

ج- «ملاک حکم»: به مصلحت یا مفسده‌ای گفته می‌شود که شارع بر اساس آن، حکم را جعل کرده است(عمید زنجانی، ۱۳۸۹،ج۲،ص.۵۶۸). «حسن معاشرت» این‌چنین نیست؛ زیرا خودْ ملاک نیست، بلکه بیانگر جهت‌گیری کلی است که از مجموعه ملاک‌های جزئی به‌دست می‌آید.

د- «قاعده فقهی»: درباره مفهوم «قاعده فقهی» اتفاق نظری وجود ندارد. شهید اول آن را «ضابطه کلی فرعی» دانسته که احکام شرعی از آن استنباط می‌شود (شهید اول، بی‌تا، ج۱، ص.۱۲). برخی آن را «حکم شرعی فرعی» دانسته‌اند که در طریق اثبات قرار نمی‌گیرد (سبزواری، ۱۴۱۷، ج۱، ص.۱۰). برخی نیز آن را از «احکام عام فقهی» دانسته‌اند که در ابواب مختلف جریان دارد (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ج۱، ص.۲۳). امام خمینی نیز در تبیین تمایز مسائل اصولی و قواعد فقهی، مسائل اصولی را - بر خلاف قواعد فقهی- مسائلی می‌داند که در طریق استنباط حکم شرعی قرار می‌گیرند و خود آنها مورد عمل مکلف نیستند؛ اما مقصود از قواعد کلی فقهی، مصادیق آن است (امام خمینی، ۱۴۱۵، ج۱، ص.۴۵-۴۴).براین اساس «قاعده فقهی» دارای سه ویژگی است: نخست، حکم کلی فرعی است (نه ابزار استنباط). دوم، غالباً محدود به بعضی ابواب فقهی است (نه جاری در همه ابواب). سوم، اجرای آن میان مجتهد و مقلد مشترک است.

اصل ارزشی-اخلاقی ماهیتی متفاوت دارد: این عنوان، از استقراء در فتاوای امام خمینی استخراج شده، بر «کرامت مؤمن» استوار است و به‌عنوان جهت‌دهنده و هماهنگ‌کننده در نظام فقهی امام عمل می‌کند. بنابراین، تعبیر دقیق آن است که این اصل، «الگوی ارزشیِ مستفاد از مجموعه احکام» است که به‌عنوان جهت‌دهنده و هماهنگ‌کننده در نظام فقهی امام عمل می‌کند، نه اصلی که بر خودِ استنباط حاکم باشد.

معیار تمایز «اصل ارزشی-اخلاقی» از «قاعده فقهی» در سه بُعد قابل تبیین است:

نسخه غیر نهایی پیش از انتشار

نخست، از جهت کارکرد: قاعده فقهی (مانند لاضرر) کارکرد حل‌مسئله در موارد فقدان نص دارد و خودْ مستند مستقیم حکم است؛ در حالی که اصل ارزشی-اخلاقی، نقش جهت‌دهی و هماهنگ‌سازی دارد و در موارد نیاز به حکم، امام به قواعد فقهی تمسک می‌جوید.

دوم، از جهت ضمانت اجرا: قاعده فقهی دارای ضمانت اجرای شرعی مستقل (وجوب یا حرمت) است؛ در حالی که اصل ارزشی-اخلاقی، به‌تنهایی الزام شرعی مستقل ندارد و الزامات آن در قالب احکام تکلیفی مستقل تجلّی می‌یابد.

سوم، از جهت شمول: قاعده فقهی غالباً محدود به بعضی ابواب فقهی است (مانند قاعده «لا تعاد» که مختص باب صلات است)؛ در حالی که اصل ارزشی-اخلاقی، محدود به ابواب فقهی خاصی نیست، بلکه در پنج قلمرو اجتماعی (خانواده، همسایگی، اقتصاد، تعامل با مخالفان، و عرصه قدرت) جریان دارد. با این حال، این اصل در عبادات (مانند نماز و روزه) جریان ندارد، زیرا موضوع آن «معاشرت اجتماعی» است.

نمونه‌های مشخص «احکام تکلیفی مستقل» که ذیل این اصل دسته‌بندی می‌شوند عبارتند از: وجوب انظار معسر (خمینی، ۱۳۸۵، ج۱، ص.۷۳۸)، حرمت اذیت همسایه (خمینی، ۱۳۸۵، ج۲، ص.۲۱۸)، حرمت غیبت مؤمن (خمینی، ۱۴۱۵، ج۱، ص.۴۴۲)، و حرمت تجسس در امور مؤمن (خمینی، ۱۳۸۹، ج۶، ص.۲۶۴). این احکام، هرچند به‌عنوان احکام تکلیفی مستقل و با ادله خاص خود در آثار امام وجود دارند، اما جهت‌گیری اخلاقی-فقهی مشترک آنها، امکان دسته‌بندی ذیل این اصل را فراهم می‌آورد.

### ۳.مستندات اصل

در این بخش ابتدا ادله اصلی (آیات و روایات) بررسی می‌شوند و سپس قواعد فقهی هماهنگ با این اصل معرفی می‌گردند.آنچه در اینجا مد نظر است، نشان‌دادن هماهنگی منطقی این قواعد با اصل حسن معاشرت است.

### ۱-۳.ادله قرآنی

مهم‌ترین مستند قرآنی حسن معاشرت، آیه شریفه «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء،۱۹) است. علامه طباطبایی ذیل این آیه می‌نویسد: «کلمه معروف به معنای هر امری است که مردم در مجتمع خود آن را بشناسند و آن را انکار نکنند و بدان جاهل نباشند؛ و چون دستور به معاشرت با زنان مقید به قید معروف شده، قهراً معنای امر به معاشرت با زنان، معاشرتی است که در بین مسلمانان معروف باشد» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج۴، ص.۲۵۵). از دیدگاه علامه، «معاشرت معروف» یعنی رفتار با زن به‌عنوان جزئی برابر از جامعه که با سایر اجزا در تشکیل جامعه انسانی مساوی است، نه به‌عنوان تابع و زیردست (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج۴، ص.255). از دیدگاه ایشان خداوند در آیات مختلف قرآن، میان «رفتار به معروف» و «رفتار ضراری» تقابل برقرار کرده است؛ چنان‌که در آیه «الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ» (بقره،۲۲۹)، «امساک به معروف» را در برابر «امساک ضراری» قرار داده و از دومی نهی نموده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج۲، ص.۲۳۳).

نسخه غیر نهایی پیش از انتشار

در آیه «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره،۲۳۳)، «نفقه معروف» در برابر «نفقه ضراری» قرار گرفته است. علامه طباطبایی ذیل این آیه، «معروف» را به «متعارف از حال چنین شوهر و چنین همسر» تفسیر کرده و سپس با استناد به ذیل آیه، دو حکم مهم را استنباط می‌کند: نخست، حق حضانت و شیر دادن و نظیر آن مال همسر است؛ پس شوهر نمی‌تواند به زور میان مادر و طفل جدایی بیندازد یا از دیدن و بوسیدن فرزند توسط مادر جلوگیری کند؛ زیرا این عمل مصداق روشن مضاره و حرج بر زن است. دوم، زن نیز نمی‌تواند در مورد بچه شوهر، به شوهر مضاره و حرج وارد آورد؛ مثلاً نگذارد پدر فرزند خود را ببیند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج۲، ص.۲۳۳). بنابراین، آیه شریفه «لا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ» نشان می‌دهد که منع مضاره و حرج، مبنای اصلی حسن معاشرت در خانواده است و شارع مقدس با تقیید نفقه به «معروف»، هرگونه رفتار آزاردهنده و خارج از عرف را از قلمرو معاشرت خانوادگی خارج ساخته است. از مجموع این آیات برمی‌آید که امر قرآن به معاشرت به معروف، در حقیقت امر به معاشرت غیرضرری و غیرحرجی است.

در آثار امام خمینی، تصریح مستقیم به آیه «عاشروهن» کمتر دیده می‌شود. ایشان در بحث خانواده، بیشتر به قاعده «لاضرر» و «لاحرج» تمسک می‌جوید و با استناد به آیه «وَلا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَاراً» (بقره،۲۳۱) و تحلیل مفهوم «ضرار»، هرگونه رفتار آزاردهنده و ایجاد حرج برای زن را حرام شرعی دانسته است که تلویحاً به وجوب معاشرت به معروف بازمی‌گردد (خمینی، ۱۳۸۷، ص.۶۵-۶۶).

### ۲-۳.ادله روایی

امام در آثار خود، روایات متعددی را نقل کرده است که هر یک به‌نوعی بر وجوب مدارا، حرمت آزار و لزوم رعایت حقوق دیگران دلالت دارند و می‌توانند به‌عنوان مستندات فقهی اصل حسن معاشرت مورد استفاده قرار گیرند.

الف- روایات حقوق همسایه:امام روایاتی درباره حقوق همسایه نقل می‌کند (خمینی، ۱۳۸۵، ج۲، ص.۲۱۸): «جبرئیل چندان پیامبر را به همسایه سفارش کرد که گمان رفت همسایه از ورثه قرار می‌گیرد» (حرعاملی،۱۴۰۷،ج۲،ص.۷)؛ «کسی که همسایه‌اش از بدی‌های او در امان نباشد ایمان ندارد» (کلینی،۱۴۰۷،ج۲،ص.۲۱۸)؛ «حرمت همسایه مانند حرمت مادر است» (کلینی،۱۴۰۷،ج۲،ص.۶۶۶)؛ «کسی که همسایه را اذیت کند خداوند بوی بهشت را بر او حرام می‌کند» (حرعاملی،۱۴۰۷،ج۵،ص.۳۴). این روایات بیانگر آن است که حسن معاشرت در فقه امام، فراتر از خانواده و خویشان، همسایه را نیز در بر می‌گیرد و آزار و اذیت او حرام شمرده می‌شود.

ب- روایات حرمت ایذاء مؤمن:همچنین روایاتی نقل شده که مطلقاً از هرگونه آزار مؤمن نهی کرده‌اند (خمینی، ۱۴۱۵، ج۱، ص.۳۷۸): «دشنام به مسلمان فسق و کشتن او کفر است» (حرعاملی،۱۴۰۷،ج۱۲،ص.۲۸۱)؛ «به مؤمن خیانت نکند، فریبش ندهد، به او ظلم نکند و تکذیبش ننماید» (کلینی،۱۴۰۷،ج۳،ص.۴۳۵)؛ و «حرمت مال مؤمن مانند حرمت خون اوست» (حرعاملی،۱۴۰۷،ج۱۲،ص.۲۸۲). در بحث غیبت، امام به این روایت استناد می‌کند (خمینی، ۱۴۱۵، ج۱، ص.۴۴۲): «شنونده

غیبت در حکم یکی از غیبت‌کنندگان است» (نوری،۱۴۰۸،ج۹،ص.۱۳۳). این دسته از روایات، مبنای «کرامت مؤمن» را به‌عنوان اصل هستی‌شناختی حسن معاشرت تثبیت می‌کند؛ از منظر امام، آزار مؤمن (زبانی، عملی، مالی یا غیبت) حرام است و شنونده نیز مسئول است، یعنی همه در قبال همه مسئولند.

ج- روایات تقیه مداراتی:امام خمینی با استناد به روایات متعدد نشان می‌دهد که انجام عبادات همراه با مخالفان جایز و دارای فضیلت و محبوب نزد خداوند است (خمینی، ۱۴۲۰، ص.۵۷، ۶۳، ۶۴): «هر که با آنها نماز بخواند و در صف اول بایستد مانند کسی است که پشت سر رسول اکرم در صف اول ایستاده و اقتدا کرده باشد» (کلینی،۱۴۰۷،ج۳،ص.۳۸۰)؛ و «امام حسن(ع) و امام حسین(ع) پشت سر مروان، نماز خواندند و ما هم با ایشان (اهل سنت) نماز می‌خوانیم» (حرعاملی،۱۴۰۷،ج۸،ص.۳۰۱). این روایات نشان می‌دهد که «تقیّه مداراتی» در فقه امام، والاترین سطح حسن معاشرت با مخالفان را ترسیم می‌کند؛ حتی با دشمنان سیاسی، به خاطر مصالح بالاتر (وحدت و بقای جامعه اسلامی)، مدارا واجب یا مستحب مؤکد است.

## ۳-۳.قواعد فقهی هماهنگ با اصل حسن معاشرت

قواعد فقهی که در این بخش بررسی می‌شوند، هرچند مستند مستقیم اصل حسن معاشرت به شمار نمی‌روند، اما از جهت‌گیری ارزشی-فقهی همسانی با آن برخوردارند و می‌توانند به‌عنوان مؤیدات و هماهنگ‌کننده‌های این اصل در نظام فقهی امام خمینی مورد توجه قرار گیرند. این قواعد، هر یک به‌تنهایی دارای کارکرد مستقل در نظام فقهی هستند و در عین حال، با اصل حسن معاشرت هماهنگی منطقی دارند؛ به‌گونه‌ای که می‌توان آنها را در کنار یکدیگر و ذیل این اصل دسته‌بندی کرد، بدون آنکه استقلال فقهی آنها نادیده گرفته شود.

### ۱-۳-۳.قاعده لاضرر

یکی از قواعد هماهنگ با حسن معاشرت، قاعده مشهور «لا ضرر و لا ضرار» است. امام معتقدند که مدلول حدیث صرفاً ناظر به اختیارات حاکم شرع در مقام رفع ضرر از نظام و مصالح عمومی است (خمینی،۱۴۱۸،ج۴،ص.۵۹۳).با این حال، ایشان در تحلیل زبانی و عرفی خود، تفکیک مهمی میان سه صیغه «ضرر» (ثلاثی مجرد)، «اضرار» (باب افعال) و «ضرار» (باب مفاعله) قائل می‌شوند: ضرر و اضرار به معنای نقص در مال و جان است و در امور مالی و نفسی به کار می‌رود و ضرار و مضاره به معنای تضییق، اهمال، حرج، سختی، اذیت و کلفت است و در جایی به کار می‌رود که کسی دیگری را در مشقت و آزار قرار دهد، هرچند خسارت مالی یا جانی محقق نشود (خمینی،۱۳۸۷،ص.۶۲).

امام ضمن بررسی مفهوم «ضرار» در آیات قرآن، به آیه شریفه «وَ لا تُمْسِكُوهُنَّ ضِراراً لِتَعْتَدُوا» (بقره،۲۳۱) استناد کرده و با نقل روایتی از امام صادق(ع) که «مضاره» را به «آزار زن با نزع فرزند از او» تفسیر نموده، اثبات می‌کند که هرگونه رفتار آزاردهنده و ایجاد حرج برای زن در خانواده، مصداق «ضرار» حرام شرعی است (خمینی، ۱۳۸۷، ص.۶۵-۶۶). از این رو،

حرمت «ضرار» در حوزه خانواده، به طور مستقیم مستلزم وجوب «معاشرت به معروف» (حسن معاشرت) به عنوان تکلیف شرعی مرد در برابر زن می‌باشد.

با این مبنا، هرگونه اذیت و آزار به اشخاص که در فتوای ایشان حرام شمرده شده است، از مصادیق ضرار محسوب می‌گردد؛ از این رو، قاعده «لا ضرار» در کنار حرمت اذیت مؤمن، یکی از قواعد هماهنگ و مؤید اصل حسن معاشرت در روابط اجتماعی، همسایگی و عرصه قدرت و حکومت به شمار می‌رود (خمینی، ۱۳۸۵، ج۲، ص.۲۱۸).

### ۲-۳-۳. قاعده لاحرج

قاعده لاحرج مستند به آیه شریفه «وَ ما جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» (حج،۷۸) و روایات متعدد است. امام خمینی این قاعده را قاعده‌ای امتنانی می‌داند؛ بدین معنا که خداوند به منت بر بندگان، احکامی را تشریع کرده است که آنان را در حرج و تنگنا قرار ندهد (خمینی،۱۴۲۱،ج۲،ص.۷۵).

بنابر دیدگاه ایشان، بر بدهکار تنگدست ادای دین واجب نیست و بر طلبکار حرام است که او را با مطالبه طلب در تنگنا قرار دهد، بلکه واجب است تا گشایش یافتن مهلت دهد (خمینی،۱۳۸۵،ج۱،ص.۷۳۸). در خانواده، اگر بودن زن در منزل شوهری که مشروب می‌نوشد، نماز نمی‌خواند و او را می‌زند حرج باشد، می‌تواند از منزل خارج شود و در جای دیگر زندگی کند (خمینی،۱۳۷۲، ج۳، ص.۳۲۰). همچنین اگر میّتی جز یک خانه مسکونی مالی نداشته باشد و پرداخت ثلث باعث حرج ورثه شود، می‌توانند ثلث قیمت را به اقساط بپردازند (خمینی،۱۳۷۲، ج۲، ص.۴۱۵). خانه مسکونی و تلفن نیز در صورت ضرورت زندگی، جزء مستثنیات دین هستند (همان، ص.۲۸۷).

آنچه از فتاوای امام مستفاد می‌شود آن است که قاعده لاحرج، ضامن اجرای حسن معاشرت در شرایط تعارض حقوق است؛ جایی که اعمال حق یک طرف (طلبکار، شوهر، ورثه) به حرج طرف دیگر می‌انجامد، قاعده لاحرج به نفع طرف ضعیف‌تر وارد شده و الزام به مدارا را جایگزین سخت‌گیری می‌کند.

### ۳-۳-۳.قاعده تسبیب

فراتر از ترک آزار مستقیم، امام قاعده تسبیب را مطرح می‌کند که بر اساس آن، انسان در قبال زمینه‌سازی برای گناه دیگران نیز مسئول است. این قاعده، قلمرو حسن معاشرت را از رفتار مستقیم به مسئولیت غیرمستقیم گسترش می‌دهد. بر اساس فتوای ایشان در بحث فروش انگور به کسی که می‌داند آن را شراب می‌کند، هر چیزی که موجب تحریک، ترغیب یا تشویق به کار حرام شود، خود حرام است؛ چه طرف مقابل آن کار را مرتکب شود یا نشود (خمینی،۱۴۱۵،ج۱، ص.۲۵۲). امام این قاعده را به تمام عرصه‌ها تعمیم می‌دهد: مسئولیت رسانه‌ها در قبال نشر فساد (خمینی،۱۳۸۹،ج۱۱، ص.۱۹۵)، مسئولیت افشای اسرار نظامی (خمینی،۱۳۷۲،ج۱، ص.۵۰۷)، و مسئولیت کارفرما در قبال کارگر (خمینی،۱۳۸۹، ج۸، ص.۴۶۸-۴۶۹).

### ٤-۳-۳.قاعده تقیه مداراتی

نسخه غیر نهایی پیش از انتشار

در متون فقهی و روایی چهار نوع تقیّه ذکر شده است که از جمله آن‌ها تقیّه مداراتی است. امام تقیّه مداراتی را اینگونه تعریف می‌کند: هدف در آن، الفت گرفتن کلمه و وحدت از طریق محبت ایجاد کردن در دل مخالفان و جلب دوستی آنان است، بدون آنکه ترس از ضرری در کار باشد (خمینی،۱۴۲۰، ص.۷). ایشان از تقیّه مداراتی به عنوان قسمی که برای مراعات حسن عُشرت با مخالفان مشروع است یاد می‌کند (خمینی،۱۴۱۵،ج۲، ص.۲۳۶).

امام، فلسفه تشریع تقیّه مداراتی را حفظ مصالح نوعی مسلمانان و شیعیان در برابر خطر تفرقه و نابودی می‌داند. از نگاه ایشان، راز این نوع مدارا، صلاح حال مسلمانان به وحدت کلمه و عدم تفرقه جمعیت آنان است تا در میان سایر ملل و زیر سلطه کفار ذلیل نشوند، و نیز صلاح حال شیعیان به خاطر ضعف و کمی تعداد آنان است که اگر با تقیّه مخالفت می‌کردند، در معرض زوال و انقراض قرار می‌گرفتند (خمینی،۱۴۲۰، ص.۷۰).

ثمره این قاعده، صحت عمل و عدم نیاز به قضا و اعاده می‌باشد؛ هر عملی که به قصد مدارا و حسن معاشرت با مخالفان انجام شود، صحیح و مجزی است.

برخی فقها مانند شیخ انصاری، تقیه مداراتی را زیر مجموعه تقیه خوفی و در طول آن دانسته‌اند (انصاری، ۱۴۱۴، ص.۷۳)؛ اما کسانی چون امام خمینی آن را قسیم و در عرض تقیه خوفی دانسته‌اند؛ ضمن آنکه شیخ، تقیه مداراتی را مستحب می‌داند (همان،ص.۷۴) اما امام آن را واجب شمرده است. ایشان حتی نیازی به اضطرار یا حیله، یعنی چاره‌جویی برای فرار از این نوع تقیه نیز نمی‌بیند، و نه تنها حکم به صحت و اجزای معاملات و عباداتی می‌کند که بر آن اساس صورت می‌گیرد، بلکه می‌نویسد: «عبادت بر اساس تقیه مداراتی که به آن تشویق شده‌ایم، از محبوب‌ترین و با فضیلت‌ترین عبادت‌ها است» (خمینی، ۱۴۲۰، ص.۷۰). ایشان تأکید می‌کند که این نوع تقیه اختصاص به اهل سنت دارد و ازجمله دلایل ترغیب و سفارش به آن، در نظر گرفتن مصلحت مسلمانان باشد که به وحدت کلمه برسند و متفرق نشوند، تا در میان سایر ملت‌های دنیا خوار نشده و تحت سلطه کفار و سیطره بیگانگان درنیایند (همان، ص.۷۰).

### ۵-۳-۳.امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر از واجبات مهم و مؤکد شرعی به‌شمار می‌رود و ضامن بقای سایر واجبات اجتماعی است(خمینی،۱۴۱۵،ج۱، ص.۵۲۵). امام این فریضه را حقی برای همه مردم معرفی می‌کند و بر وجوب آن در صورت تحقق شرایط تأکید می‌نماید (خمینی،۱۳۸۹، ج۸، ص.۵).

نسبت امر به معروف و نهی از منکر با اصل حسن معاشرت در سه سطح قابل تحلیل است: نخست، این فریضه عالی‌ترین مصداق حسن معاشرت است، زیرا حسن معاشرت تنها به مدارا و پرهیز از آزار خلاصه نمی‌شود، بلکه شامل تلاش برای اصلاح دیگران نیز می‌گردد. دوم، امر و نهی باید با رعایت حسن معاشرت انجام شود، یعنی با حفظ کرامت مخاطب، پرهیز از تحقیر و اهانت، و استفاده از زبان نرم و مشفقانه. سوم، ترک امر به معروف و نهی از منکر خود نقض حسن معاشرت با جامعه

و مظلومان است. امام تأکید می‌کند که سکوت در برابر ظلم حاکم، نه تنها حسن معاشرت با مظلومان نیست، بلکه خیانت به آنان محسوب می‌شود (خمینی،۱۳۸۹،ج۴، ص.۱۵۲).

یکی از مهم‌ترین نکات فقهی در اندیشه امام، لزوم رعایت مراتب انکار از ملایم به شدید است. از دیدگاه ایشان، آمر و ناهی باید از آسان‌ترین درجه گفتار با احتمال تأثیر شروع کند و به تدریج به درجات بالاتر منتقل شود (خمینی،۱۴۱۵، ج۱، ص.۵۴۳). این رویکرد تدریجی مبتنی بر احترام به کرامت انسانی گناهکار و تلاش برای اصلاح او با مدارا است.

### ٦-٣-٣.اصلاح ذات‌البیّن

اصلاح ذات‌البیّن ناظر به اصلاح رابطه انسان با دیگر انسان‌ها می‌باشد. امام با استناد به آیه شریفه «فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ» (حجرات،۱۰) و روایت پیامبر(ص) که اصلاح ذات‌البیّن را برتر از درجه روزه و نماز و صدقه معرفی می‌کند (خمینی،۱۴۱۵، ج۲، ص.۱۳۸)، بر وجوب آن تأکید می‌نماید و بر لزوم پرهیز از تفرقه و اختلافات جزئی تأکید نموده‌اند (خمینی،۱۳۸۹، ج۳، ص.۱ و ج۱۱، ص.۵۵).

اصلاح ذات‌البیّن دو ثمره فقهی مهم دارد: نخست، جواز کذب در مقام اصلاح؛ بدین معنا که راستگویی مطلق نیست و اگر دروغی به صلاح و آشتی منجر شود، جایز است و ملاک آن «تألیف قلب» و جلب محبت است. دوم، نهاد داوری خانوادگی (حکمین) که حاکم شرع موظف است دو داور از خانواده زن و شوهر تعیین کند تا اختلاف را حل نمایند (خمینی،۱۴۱۵، ج۲، ص.۱۳۸ و ص.۳۲۶-۳۲۸). این دو ثمره بیانگر توجه به حسن معاشرت در اندیشه امام است.

نسبت اصلاح ذات‌البیّن با اصل حسن معاشرت در سه سطح قابل تحلیل است: نخست، اصلاح ذات‌البیّن عالی‌ترین مصداق حسن معاشرت است، زیرا شامل تلاش فعال برای رفع کدورت‌ها و ایجاد صلح میان دیگران می‌گردد. دوم، اصلاح ذات‌البیّن باید با رعایت حسن معاشرت انجام شود؛ یعنی مصلح موظف است کرامت هر دو طرف را حفظ کند و از تحقیر و توهین بپرهیزد. سوم، ترک اصلاح ذات‌البیّن نقض حسن معاشرت است، زیرا بی‌تفاوتی در برابر اختلاف دیگران خیانت به آنان محسوب می‌شود.

## ٤. مبانی و مفاد اصل حسن معاشرت

در این بخش، ابتدا مبنای هستی‌شناختی این اصل (کرامت مؤمن) تبیین می‌شود، سپس مفاد آن در قالب دو منطق سلبی و ایجابی و سه سطح تشکیکی تحلیل می‌گردد و در نهایت، تکلیف‌زایی جمعی آن به‌عنوان یکی از پیامدهای مهم این اصل بررسی می‌شود. مفاد این اصل، جهت‌دهی و هماهنگ‌سازی مجموعه‌ای از احکام تکلیفی مستقل و قواعد پشتیبان در نظام فقهی امام خمینی است که بر مبنای «کرامت مؤمن» استوار شده و در قالب دو منطق سلبی و ایجابی و سه سطح تشکیکی، الزامات شرعی معاشرت اجتماعی را از «حرمت» تا «استحباب» سامان می‌دهد.

### ١-٤.مبنای هستی‌شناختی: کرامت مؤمن

در منظومه فکری امام خمینی، «کرامت مؤمن» اصل وجودی و مبنای هستی‌شناختی برای تمامی احکام مرتبط با معاشرت اجتماعی محسوب می‌شود. پیش از آنکه حسن معاشرت رفتاری «باید شده» باشد، ریشه در «هست» کرامت‌مندانه انسان مؤمن دارد (خمینی،۱۴۱۵، ج۱، ص.۳۹۳ و ص۳۷۸؛ خمینی،۱۳۸۹، ج۱۰، ص.۲۷۵). امام با الهام از آیات و روایات، انسان مؤمن را دارای حرمتی ذاتی می‌داند که شارع مقدس با رضایت شخص نیز اجازه هتک آن را نمی‌دهد (خمینی،۱۴۱۵،ج۱،ص.-۳۹۳ ۳۹۴). بنابراین، مبنای هستی‌شناختی حسن معاشرت در فقه امام، کرامت مؤمن است و احکام مرتبط با معاشرت اجتماعی بر همین مبنا استوار گردیده است.

## ٤-۲ .منطق سلبی و ایجابی

از منظر امام، مبنای هستی‌شناختی «کرامت مؤمن»، اصل حسن معاشرت را در دو منطق سامان می‌دهد. در منطق سلبی، اصل به شبکه‌ای از تحریم‌های الزام‌آور تبدیل می‌شود: حرمت اذیت (مالی، جانی، روحی و اخلاقی)، حرمت تجسس و اشراف به حریم خصوصی، حرمت فریب، خیانت، خدعه و تکذیب، و حرمت اجبار و اکراه. این تحریم‌ها هر یک «حکم تکلیفی مستقل» هستند و تجمیع آنها در ذیل حسن معاشرت، به‌معنای نادیده‌گرفتن استقلالشان نیست (خمینی،۱۴۱۵، ج۱، ص.۳۷۸؛ خمینی،۱۳۸۵، ج۲، ص.۲۱۸)

در منطق ایجابی، اصل افزون بر تحریم‌ها، الزامات و ترغیب‌هایی را در بر دارد: وجوب مدارا در تعارض حقوق، وجوب مهلت به تنگدستان، وجوب اصلاح بین مردم (که مجوز برخی محرمات ثانوی را فراهم می‌آورد)، و ترغیب به احسان و ایثار. این الزامات نیز احکام تکلیفیِ مستقل هستند (خمینی،۱۳۸۵،ج۱،ص۷۳۸؛ خمینی،۱۴۱۵، ج۲، ص۱۳۸). آنچه این دو منطق را پیوند می‌دهد، نگاه جامع‌نگر امام به کرامت انسانی است که هم از آزار پرهیز می‌دهد و هم به تأمین آسایش و رشد اخلاقی دیگران فرمان می‌دهد.

## ٤-۳ .سطوح سه‌گانه اصل حسن معاشرت

این اصل از سه سطح تشکیکی برخوردار است. مراد از «تشکیک» در اینجا، درجه الزام فقهی و دامنه مسئولیت اجتماعی است؛ به این معنا که هر سطح، از شدت الزام و گستره مسئولیت متفاوتی برخوردار است:

الف-سطح حداقلی (ترک آزار) مبتنی بر قاعده لاضرر و حرمت ایذاء مؤمن است که مصادیق آن در فقه امام عبارت است از: حرمت اذیت همسایه (خمینی،۱۳۸۵، ج۲، ص.۲۱۸)، حرمت دشنام و غیبت مؤمن (خمینی،۱۴۱۵، ج۱، ص.۳۷۸ و ص.۴۴۲)، و حرمت تجسس (خمینی،۱۳۸۹، ج۶، ص.۲۶۴).

ب-سطح متوسط (مدارا و مهلت‌دهی) مبتنی بر قاعده لاحرج، آیه انظار معسر و روایات تقیه مداراتی است که مصادیق آن عبارت است از: وجوب مهلت به بدهکار ناتوان (خمینی،۱۳۸۵،ج۱،ص.۷۳۸)، جواز خروج زن از منزل شوهر بدرفتار (خمینی،۱۳۷۲، ج۳، ص.۳۲۰)، و وجوب مدارا با اهل سنت در نماز جماعت (خمینی،۱۳۷۲، ج۳، ص.۶۱۲).

نسخه غیر نهایی پیش از انتشار

ج-سطح حداکثری (احسان و اصلاح‌گری) مبتنی بر تقیه مداراتی، امر به معروف و اصلاح ذات‌البین است که مصادیق آن عبارت است از: پذیرش اقاله (خمینی،۱۳۸۵، ج۱، ص.۵۶۹)، انفاق به خویشاوندان و همسایگان (خمینی،۱۳۸۵،ج۲، ص.۹۸)، اصلاح ذات‌البیّن با جواز کذب (خمینی،۱۴۱۵، ج۲، ص.۱۳۸)، و تقیه مداراتی با اهل سنت (خمینی،۱۴۲۰، ص.۷۰).

### ٤-٤.تکلیف‌زایی جمعی

اصل حسن معاشرت در فقه اجتماعی امام، فراتر از روابط فردی، دارای تکلیف‌زایی جمعی است؛ بدین معنا که همه در برابر کرامت و آسایش یکدیگر مسئولند و سکوت در برابر ظلم، ترک امر به معروف، ترک اصلاح ذات‌البیّن و بی‌تفاوتی در برابر اختلاف دیگران، نقض حسن معاشرت محسوب می‌شود. قاعده تسبیب نیز این مسئولیت را به زمینه‌سازی برای گناه دیگران گسترش می‌دهد. امام تأکید می‌کند که سکوت در برابر ظلم حاکم، خیانت به مظلومان است (خمینی،۱۳۸۹،ج۴، ص.۱۵۲) و ترک امر به معروف، نقض حسن معاشرت با جامعه است (خمینی،۱۴۱۵،ج۱، ص.۵۲۵). بنابراین، این اصل در اندیشه امام، از آموزه‌ای اخلاقی فردی به اصلی فقهی-اجتماعی با الزامات جمعی ارتقا می‌یابد.

## ۵.قلمروهای اصل حسن معاشرت

در این بخش، پنج قلمرویی که اصل حسن معاشرت در آنها تجلّی می‌یابد، با تکیه بر آرای فقهی امام خمینی تبیین می‌گردد. احکام مطرح‌شده در هر قلمرو، گرچه به‌عنوان احکامی مستقل و با ادله خاص خود در آثار امام وجود دارند، اما جهت‌گیری اخلاقی-فقهی مشترک آنها، امکان دسته‌بندی ذیل این اصل را فراهم می‌آورد.

### ۱-۵.حسن معاشرت در خانواده

از جمله بنیادی‌ترین عرصه‌ای که اصل حسن معاشرت در آن تجلی می‌یابد، خانواده است. خانواده نخستین مدرسه تربیت اخلاقی و اجتماعی است. بنابراین، حسن معاشرت در خانواده، الگویی برای سایر عرصه‌های اجتماعی است و به‌طور مستقل دارای احکام فقهی و الزامات شرعی متعددی می‌باشد.

#### ۱-۱-۵.مبانی حسن معاشرت در روابط زناشویی

امام درباره رابطه زن و شوهر، بر اصل «معاشرت به معروف» تأکید می‌کنند، و با نفی هرگونه تبعیت ذاتی یک طرف از طرف دیگر، بیان می‌دارند که عنوان تبعیت در کار نیست و هر یک از زن و شوهر حقوق متقابلی بر عهده دیگری دارند که باید رعایت شود. ایشان در پاسخ به پرسش درباره برتری جنسیتی نیز، تقوا را ملاک برتری می‌داند و برای هر یک از زن و مرد وظایف خاصی قائل می‌شود (خمینی، ۱۳۷۲، ج۳، ص.۱۴۶). از دیدگاه امام، زن و شوهر دو عضو برابر در یک پیمان الهی هستند که هیچ یک بر دیگری برتری ذاتی ندارد و این همان مبنای حسن معاشرت در خانواده است.

#### ۲-۱-۵.محدوده اطاعت زن از شوهر

نسخه غیر نهایی پیش از انتشار

یکی از مهم‌ترین مسائل در روابط زناشویی، تعیین محدوده اطاعت زن از شوهر است. امام این محدوده را ترسیم می‌کند و استنباط می‌نماید که اطاعت واجب زن تنها در امور مربوط به استمتاع است و خروج از منزل بدون اجازه شوهر جایز نیست، مگر با شرط ضمن عقد یا برای انجام کار واجب. ایشان همچنین حکم می‌کند که خروج زن در غیر موارد وجوب، منوط به اذن شوهر است و در غیر امور استمتاع، اطاعت از دستورات شوهر واجب نمی‌باشد (خمینی، ۱۳۷۲، ج۳، ص.۱۴۸). از این دو فتوا، بنیاد فقهی مهمی به دست می‌آید: حسن معاشرت در خانواده به معنای اطاعت مطلق زن از شوهر نیست، بلکه مفاد شرعی آن رعایت حدود الهی و اجتناب از تحمیل خواست‌های غیرمرتبط با حقوق زوجیت است. بر این اساس، شوهر حق شرعی ندارد زن را در امور شخصی، تحصیلی، شغلی یا اجتماعی خود مجبور به اطاعت کند، مگر آنکه این امور با حقوق استمتاع او تداخل پیدا کند.

### ۳-۱-۵.عدم اجبار زن به کار منزل یا ترک تحصیل

امام در موارد متعدد، خواسته‌های نامتعارف شوهر را رد می‌کند و بر کرامت و استقلال شخصیتی زن تأکید دارد. از نگاه ایشان، زن را نمی‌توان مجبور به انجام کارهای منزل کرد مگر با شرط ضمن عقد (خمینی،۱۳۷۲، ج۳، ص.۱۰۱). همچنین در مورد تحصیل زنان، اگر شرط ضمن عقد شده باشد، زن می‌تواند با وجود مخالفت شوهر به تحصیل ادامه دهد و شوهر حق ندارد پس از اجازه اولیه، او را منع کند (خمینی،۱۳۷۲، ج۳، ص.۱۲۱و ص.۱۲۲). مستفاد از فتاوای ایشان آن است که هرگونه تعهد اخلاقی یا اجتماعی در صورت شرط ضمن عقد یا بنای عرفی لازم‌الوفاء است و حسن معاشرت ایجاب می‌کند شوهر از آن تخلف نکند.

### ٤-۱-۵.حسن معاشرت در برابر بدرفتاری همسر

یکی از چالش‌برانگیزترین مسائل در روابط زناشویی، نحوه برخورد با همسر بدرفتار یا ناشزه است. امام در این موارد، ضمن حفظ حقوق شرعی، بر اصل مدارا و پرهیز از خشونت تأکید می‌کنند و راه‌حل‌های میانه‌ای ارائه می‌دهند. در موارد نشوز یا ترک خانه بدون اجازه، امام نفقه را ساقط می‌دانند اما به شوهر اجازه تعدی نمی‌دهند(خمینی،۱۳۷۲،ج۳، ص.۲۰۴و ص.۲۳۴). فتوای ایشان قاعده مهمی را در فقه خانواده تبیین می‌کند که با روح حسن معاشرت هماهنگ است: هرگونه خشونت خانگی علیه زنان ممنوع است، حتی اگر زن ناشزه باشد. این حکم هرچند مستقل از عنوان حسن معاشرت و مبتنی بر قاعده لاضرر و حرمت ایذاء است، اما می‌توان آن را از مصادیق هماهنگ با این اصل به‌شمار آورد. به عبارت دیگر، نشوز زن مجوزی برای خشونت شوهر نیست و شوهر نمی‌تواند با استناد به نافرمانی همسر، او را مورد آزار فیزیکی قرار دهد. در موارد شدیدتر، مانند همسری که مشروب می‌نوشد و به همسر خود تعدی می‌کند، امام به جای تجویز فوری طلاق، راه‌حلی میانه مبتنی بر حفظ کرامت زن ارائه می‌دهد (خمینی،۱۳۷۲، ج۳،ص.۳۲۰) (که پیش‌تر در ذیل قاعده لاحرج بیان گردید). این رویکرد، اصل حسن معاشرت را حفظ می‌کند و از بی‌حرمتی به نهاد خانواده جلوگیری می‌نماید.

### ۵-۱-۵.حسن معاشرت با والدین و فرزندان

در آرای امام، حسن معاشرت با پدر و مادر حتی در جایی که آنان امر به معصیت می‌کنند، به طور کامل نفی نمی‌شود. اطاعت از والدین در معصیت واجب نیست، اما ایذاء آنان نیز جایز نیست (خمینی، ۱۳۷۲، ج۳، ص.۵۹۶). تفکیک دقیق امام، مرز میان «اطاعت» و «احترام» را مشخص می‌کند و حسن معاشرت را به عنوان حداقلی از ارتباط محترمانه حتی در شرایط اختلاف عقیدتی حفظ می‌نماید. در استفتائات، نمونه‌های عینی از برخورد امام با موارد اختلاف فکری با والدین دیده می‌شود. در پاسخ به شخصی که از بداخلاقی و ظلم پدرش شکایت دارد، امام می‌فرماید: «حفظ احترام والدین و مراعات ادب در صحبت با آنان لازم است و در موارد لزوم امر به معروف و نهی از منکر، اگر مأیوس از تأثیر باشید تکلیف ساقط است» (خمینی، ۱۳۷۲، ج۱، ص.۴۸۷). و در پاسخ به دختری که از کفر و توهین پدرش به مقدسات می‌گوید، می‌فرماید: «از قطع رحم اجتناب کنید و حتی‌المقدور در هدایت او کوشش نمایید» (همان، ج۱، ص.۴۸۹).

از این فتاوا مستفاد می‌شود که در مواردی که والدین مرتکب کفر یا گناه آشکار می‌شوند، فرزند موظف به قطع رابطه نیست؛ حفظ پیوند خانوادگی و تلاش برای هدایت، بر طرد و بریدن مقدم است. امام وجوب احسان به والدین را بر اساس قاعده لاحرج محدود نمی‌کند. بنابر دیدگاه ایشان، اگر پدر و مادر نتوانند معاش خود را تأمین کنند، تأمین نفقه آنان بر فرزند واجب است (خمینی، ۱۳۷۲، ج۳، ص.۲۰۳). در مورد نفقه فرزندان نیز، اذیت پدر حرام شمرده شده و دختر باید وظائف شرعی خود را مراعات کند، اما اطاعت از پدر در همه امور واجب نیست، هرچند در موارد احسان، مراعات او بهتر است (خمینی، ۱۳۷۲، ج۳، ص.۲۳۴). بنابراین از منظر امام، فرزند موظف به تأمین نیازهای مالی والدین ناتوان است، اما اطاعت مطلق از آنان واجب نیست. حسن معاشرت در این میان، یعنی انجام واجبات و ترک محرمات همراه با احترام و مدارا.

### ۲-۵.حسن معاشرت با همسایگان و روابط همجواری

از نگاه امام خمینی، همسایه جایگاهی ویژه در فقه اجتماعی دارد و رعایت حقوق او الزام شرعی مؤکد است. ایشان با استناد به پنج روایت، جایگاه والای همسایه را تبیین می‌کند: سفارش جبرئیل به پیامبر(ص) تا مرز وراثت، نفی ایمان از کسی که همسایه از شر او در امان نباشد، تشبیه حرمت همسایه به حرمت مادر، تهدید به حرام شدن بوی بهشت برای اذیت کننده همسایه، و نفی انتساب به پیامبر از کسی که حق همسایه را ضایع کند (خمینی،۱۳۸۵، ج۲، ص.۲۱۸). افزون بر حرمت‌ها، آثار مثبت حسن معاشرت با همسایه نیز بیان شده است: در بعد دنیوی «حسن همجواری خانه‌ها را آباد می‌کند و عمرها را طولانی می‌کند» (همان) و در بعد اخروی صدقه و احسان به همسایه باعث دفع بلاها می‌شود (همان،ج۲، ص.۹۹). بنابراین حسن معاشرت با همسایه هم در دنیا از بلاها جلوگیری می‌کند و هم در آخرت پاداش الهی به همراه دارد.

امام، اذیت همسایه را حرام می‌شمارد و تأکید می‌کند که این حرمت تنها محدود به ضرر مالی نیست، بلکه اذیت روحی و بدون ضرر مادی نیز حرام است. این حکم هرچند در آثار فقهی امام به‌عنوان حکمی مستقل و ذیل قاعده حرمت ایذاء مؤمن

مطرح شده است (خمینی، ۱۳۸۵، ج۲، ص.۲۱۸)، اما با توجه به روح مشترک آن با اصل حسن معاشرت، می‌توان آن را در کنار سایر احکام هماهنگ با این اصل دسته‌بندی کرد.ایشان می‌فرماید: «بر هر کسی که ایمان به خدا و پیغمبر خدا و روز آخرت دارد واجب است که از هر چه که همسایه را اذیت می‌کند اجتناب کند؛ اگر چه چیزی نباشد که موجب فساد یا ضرر در ملک همسایه شود؛ مگر آن‌که در ترک آن، ضرر فاحشی برای خودش باشد» (خمینی،۱۳۸۵، ج۲، ص.۲۱۸). از جمله مصادیق اذیت، تجسس و اشراف به خانه همسایه است که امام می‌فرماید: «سوراخ دیوار که موجب اشراف بر خانه همسایه است، اذیت به همسایه است و چه اذیتی؟!» (همان، ص.۲۱۸). همچنین ایجاد بو، دود یا صدای آزاردهنده (همان، ص.۲۱۹)، ممانعت از نور و هوا (همان)، و تصرف در مشترکات مانند کوچه بن‌بست بدون اذن شرکا (همان، ص.۲۲۵) از دیگر مصادیق حرام شمرده شده است.

در تعارض منفعت شخصی با حقوق همسایه، اصل بر عدم مزاحمت است و منفعت شخصی هرگز بر حق همسایه در آسایش مقدم نمی‌شود. به‌عنوان نمونه، اگر ساختمانی در ملک خود موجب اشراف به حیاط همسایه شود، مالک موظف است مزاحمت را برطرف کند (خمینی،۱۳۷۲،ج۲، ص.۵۸۲). اگر شاخه‌های درخت همسایه مزاحمت ایجاد کند، ابتدا از مالک خواسته می‌شود شاخه‌ها را قطع کند و در صورت امتناع، خود شخص یا حاکم شرع اقدام می‌نماید (همان،ص.۶۲۳). همچنین مالک در تصرفات خود آزاد است، اما اگر تصرفش موجب اذیت یا ضرر همسایگان شود، ممنوع می‌گردد (همان، ص.۵۸۲). بنابراین اصل اولیه آزادی تصرف در ملک خود است، اما این آزادی وقتی با اذیت همسایه تعارض پیدا کند، محدود می‌شود.

حسن معاشرت با همسایه شامل رفتارهای ایجابی و احسان نیز می‌گردد. امام به استحباب انفاق به خویشاوندان و همسایگان اشاره می‌کند. از دیدگاه ایشان: «صدقه به دیگران روا نیست در حالی که خویشاوند محتاج باشد» (خمینی،۱۳۸۵،ج۲، ص.۹۸). هر چند در این عبارت مستقیماً به «همسایه» اشاره نشده، اما در روایات منقول توسط امام، همسایه در ردیف خویشاوندان قرار داده شده و احسان به او تأکید شده است(همان،ج۲،ص.۲۱۸). همچنین، موارد متعددی از سفارش ایشان به دلجویی از همسایگان دیده می‌شود. به عنوان نمونه، هنگام خروج از فرانسه برای بازگشت به ایران، امام می‌فرمایند: «از زحماتی که به همسایگان و اهالی نوفل لوشاتو دادم معذرت می‌خواهم» (خمینی،۱۳۸۹،ج۶،ص.۶). عذرخواهی از همسایگان فرانسوی، نشان‌دهنده نهادینه بودن اصل حسن معاشرت در سیره عملی امام است.

### ۳-۵. حسن معاشرت اقتصادی

اقتصاد بستری برای تجلی اخلاق اسلامی و حسن معاشرت است. امام با تأکید بر مفاهیمی همچون مدارا، انصاف، احسان و پرهیز از اجحاف، نظام اقتصادی اسلام را بر پایه کرامت انسانی و مسئولیت اجتماعی بنا می‌نهند.

#### ۱-۳-۵. مدارا به جای سخت‌گیری در معاملات

نسخه غیر نهایی پیش از انتشار

امام در بخش آداب تجارت، به مفاهیمی اشاره می‌کند که مصادیق حسن معاشرت در عرصه اقتصادی هستند. این آداب اگرچه در دسته مستحبات قرار می‌گیرند، اما چنان با اصل حسن معاشرت هماهنگ هستند که می‌توان آنها را به عنوان الگوهای رفتاری مطلوب در معاشرت اقتصادی معرفی کرد. اول، پذیرش اقاله (برهم زدن معامله) که امام می‌فرماید: «اگر کسی در خریدوفروش پشیمان شد و درخواست اقاله آن را کرد، قبول کند» (خمینی، ۱۳۸۵، ج۱، ص.۵۶۹). از این حکم مستفاد می‌شود که ترجیح رفع نزاع و خوشنودی طرف مقابل بر اجرای سختگیرانه عقد است. دوم، یکسان‌رفتاری با مشتریان که ایشان تأکید می‌کند: «در قیمت، بین خریداران یکسان عمل کند، که فرقی میان کسی که چانه می‌زند و غیر او نگذارد» (همان). سوم، کم‌گیری و زیاد دادن که امام می‌فرماید: «جنس را برای خود کمتر بگیرد و به دیگران بیشتر بدهد» (همان). این رفتار فراتر از عدالت، مصداق احسان و ایثار در معاشرت اقتصادی است.

### ۲-۳-۵.پرهیز از اجبار

یکی از اصول اساسی حسن معاشرت اقتصادی از نگاه امام، احترام به رضایت و اختیار طرفین معامله و پرهیز از هرگونه اجبار و اکراه است. ایشان در پاسخ به این سؤال که آیا شوهر می‌تواند همسرش را مجبور سازد که نیم دانگ خانه‌اش را بفروشد، می‌فرماید: «حق ندارید و شوهر اختیار همسرش را ندارد و طرفین حقوق متقابله‌ای دارند که باید عمل کنند» (خمینی،۱۳۷۲،ج۲، ص.۷۸). همچنین در مورد اجبار مشتری به واگذاری قطعه کهنه برای دریافت قطعه نو می‌فرماید: «مشتری اگر راضی به واگذاری چیزی از ملک خود به شرکت نباشد جایز نیست با اجبار از او بگیرند... بلی می‌توانند اگر صاحب کهنه به دادن آن راضی نیست معامله نکنند و نو را به او ندهند» (همان، ص.۸۶).

### ۳-۳-۵.وجوب مهلت دادن به بدهکار ناتوان

«یکی از احکامی که با روح حسن معاشرت هماهنگی کامل دارد و می‌توان آن را در کنار سایر احکام، ذیل این اصل دسته‌بندی کرد، وجوب مهلت‌دادن به بدهکار ناتوان است. این حکم هرچند به‌عنوان حکمی مستقل از آیه شریفه «وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَى مَيْسَرَةٍ» (بقره،۲۸۰) و قاعده لاحرج نشأت می‌گیرد (خمینی،۱۳۸۵،ج۱،ص.۷۳۸)، اما با رویکرد تجمیعی می‌توان آن را از مصادیق هماهنگ با اصل حسن معاشرت به‌شمار آورد.»امام با استناد به روایتی از امام صادق(ع) از فروش خانه مسکونی بدهکار برای طلب اندک نهی می‌کند و می‌نویسد: «تو را به پناه خدا می‌برم از اینکه او را از سایه‌ای که بر سرش می‌باشد، بیرون کنی (خمینی،۱۳۸۵، ج۱،ص.۷۳۷). طلبکار حتی در صورت تمایل بدهکار به فروش خانه، نباید سبب آن شود. امام در ادامه می‌فرماید: «چنان که بر شخص تنگدست، ادای دین واجب نیست، بر طلبکار هم حرام است که با مطالبه و خواستن طلب، او را در تنگنا و زحمت قرار دهد، بلکه واجب است او را تا گشایش و توانایی پیدا کردن مهلت بدهد» (همان، ص.۷۳۸). در استفتائات نیز تأکید شده است: «در صورت عدم تمکن بدهکار از اداء بدهی خود طلبکار باید او را مهلت دهد» (خمینی،۱۳۷۲، ج۲، ص.۲۸۸).

نسخه غیر نهایی پیش از انتشار

### ٤-٣-٥.تقدم حق‌الناس بر مستحبات

از لوازم مهم حسن معاشرت اقتصادی، اولویت دادن به حقوق مردم بر اعمال مستحبی است. امام بیان می‌کند که ادای حقوق مالی مردم، بر کارهای خیر مستحبی مقدم است. ایشان می‌فرماید: «با فرض مطالبه طلبکار و امکان پرداخت بدهی، اداء بدهی واجب است و مقدم بر کمک مجّانی به مستضعفان است» (خمینی،۱۳۷۲، ج۲، ص.۲۸۳). و در جای دیگر می‌فرماید: «حقّ النّاس قابل ادا، ساقط نمی‌شود مگر با ادای آن و در صورت عدم پرداخت، حساب آن با خداوند چاره‌ساز بخشنده است» (همان).

### ٥-٣-٥.حرمت فریب

یکی از مصادیق حسن معاشرت اقتصادی، پرهیز از فریب و سوءاستفاده در معامله است. در پاسخ به این سؤال که در کارخانه به ما دستور می‌دهند در آب پرتقال آب مخلوط نماییم، امام می‌فرماید: «اگر می‌دانید که در وقت فروش به عنوان آب پرتقال خالص فروخته می‌شود باید دست از این کار بردارید» (خمینی،۱۳۷۲، ج۲، ص.۲۲). از این فتوا برمی‌آید که هرگونه فریب و تقلب در معامله، حتی به دستور کارفرما، حرام است. امام همچنین به تجار و کسبه توصیه می‌کند که از اجحاف و گرانفروشی پرهیز کنند و به بدهکاران مهلت دهند: «تجار و کسبه و تولید کنندگان باید از اجحاف و گرانفروشی و هر نوع سوء استفاده از شرایط موجود خودداری نمایند... به بدهکاران مهلت کافی بدهند» (خمینی،۱۳۸۹، ج۶، ص.۱۶۹).

### ٤-٥.حسن معاشرت با مخالفان و غیرمسلمانان

از نگاه امام خمینی، حسن معاشرت اختصاص به هم‌کیشان و هم‌فکران ندارد، بلکه شامل کسانی نیز می‌شود که با ما در مبانی فکری یا سیاسی اختلاف دارند، مادامی که دست به توطئه و فساد مسلحانه نزده‌اند. این بخش از فقه اجتماعی امام، یکی از مترقی‌ترین رویکردها در جهان اسلام معاصر است.

### ١-٤-٥.حسن معاشرت با اهل سنت

امام در بیانات متعدد خود، بر لزوم احترام به مذاهب مختلف اسلامی و پرهیز از تفرقه‌افکنی تأکید کرده و این را از مصادیق حسن معاشرت می‌داند. ایشان تأکید می‌کند که با برادران اهل سنت هیچ اختلافی ندارند و از همه مردم می‌خواهد به سمپاشی عناصر فاسد اعتنا نکنند و به برادران اهل سنت اطمینان می‌دهد که تمام اقشار کشور چه اهل سنت و چه شیعه به حقوق خود خواهند رسید (خمینی،۱۳۸۹،ج۶، ص.۴۳۰). همچنین بنابر استفتائات، شرکت در نماز جماعت اهل سنت در شرایط تقیه نه تنها جایز است، بلکه نماز صحیح می‌باشد و این حکم مختص به مورد ضرورت نیست (خمینی،۱۳۷۲، ج۳، ص.۶۱۲). از مضمون فتوا استفاده می‌شود که شرکت در نماز جماعت اهل سنت به طور مطلق جایز است و نماز صحیح است، که زمینه‌ساز همزیستی مسالمت‌آمیز میان مذاهب مختلف اسلامی می‌گردد.

### ٢-٤-٥.حسن معاشرت با اقلیت‌های دینی

امام در موارد متعددی، بر رعایت حقوق اقلیت‌های دینی و رفتار محترمانه با آنان تأکید کرده و آن را از وظایف ذاتی حکومت اسلامی می‌داند. بنابر دیدگاه ایشان، اسلام برای همه قشرها و همه بندگان خدا و مستضعفان ارزش قائل است و نسبت به اقلیت‌های مذهبی مانند زرتشتی، یهودی و مسیحی احترام دارد و می‌خواهد آنان نیز به حقوق خود برسند (خمینی،۱۳۸۹،ج۷، ص.۱۵۰). همچنین ایشان زرتشتیان را خدمتگزاران ایران معرفی می‌کند و به همه اقلیت‌ها اطمینان می‌دهد که اسلام همواره به طور انسانی و عادلانه با آنان رفتار کرده است و آنان جزئی از ملت ایران هستند (خمینی،۱۳۸۹، ج۶، ص.۱۹۲). در مورد یهودیان، امام میان «جامعه یهود» و «صهیونیسم» تفکیک قائل می‌شود و تأکید می‌کند که اسلام با یهودیان همان رفتار را دارد که با سایر اقشار ملت دارد و ابداً اجحاف را جایز نمی‌داند (خمینی،۱۳۸۹،ج۷، ص.۲۹۰). بنابر استفتائات، ورود یهودی به مسجد نیز در صورتی که موجب هتک یا آلوده شدن مسجد نباشد، مانعی ندارد (خمینی،۱۳۷۲، ج۳، ص.۵۹۳).

### ۳-٤-٥.حسن معاشرت با مخالفان سیاسی

امام با کسانی که با نظام اسلامی مخالفند، تا سرحد قانون و شرع، توصیه به مدارا و پرهیز از خشونت بی‌حساب می‌کند. بنابر مصاحبه ایشان با لوموند، در جامعه مورد نظر اسلام، مارکسیست‌ها در بیان مطالب خود آزاد خواهند بود و هیچ گاه آزادی آنان سلب نشده و به آنان لطمه وارد نشده است؛ هر کس آزاد است که اظهار عقیده کند، اما برای توطئه کردن آزاد نیست (خمینی،۱۳۸۹، ج۳، ص.۳۷۱). امام همچنین به گروه‌های مخالف داخلی پدرانه توصیه می‌کند که به آغوش گرم اسلام و ملت مسلمان برگردند و سلاح‌های خود را کنار بگذارند و با برادران و خواهران خود آشتی کنند. ایشان تأمین می‌دهد که در این صورت، هیچ کس مزاحم آنان نخواهد شد (همان،ج۱۳، ص.۵۴۲).

### ٤-٤-٥.موارد استثنا

قلمرو اصل حسن معاشرت در فقه اجتماعی امام خمینی، مقید به قیودی است. ایشان میان «مردم عادی» و «مفسدان فی الارض» نظیر محاربان، گروه‌های مسلح متجاوز، تفکیک قائل می‌شود (خمینی،۱۳۸۵،ج۲،ص.۵۲۴). در دیدگاه ایشان، رفتار مبتنی بر کرامت و رعایت حقوق شهروندی شامل دسته دوم نمی‌گردد؛ بلکه برخورد قاطع با آنان از مصادیق نهی از منکر و دفاع از نظام اسلامی محسوب می‌شود. از این رو، امام مراکز توزیع مواد مخدر، مشروبات الکلی، قمار و فحشا را از آن جهت که فساد آن‌ها در بالاترین درجه است، مشمول برخورد قانونی می‌داند (خمینی، ۱۳۸۹،ج۱۷، ص.۲۶۷). همچنین در برابر کسانی که به نظام اسلامی حمله مسلحانه می‌کنند، مقاومت را واجب می‌شمارد (همان، ج۴، ص.۱۵۲).

## ۵-٥.حسن معاشرت در عرصه قدرت و حکومت

از نگاه امام خمینی، اصل حسن معاشرت تنها به روابط فردی و خصوصی محدود نمی‌شود، بلکه به عالی‌ترین سطح روابط اجتماعی یعنی رابطه حاکمان و مردم نیز تعمیم می‌یابد. از دیدگاه ایشان، حسن معاشرت در حکومت اسلامی به معنای رعایت

کرامت انسانی، مدارا، پرهیز از خشونت بی‌جا و اجرای عدالت همراه با عطوفت است. ایشان رفتار پیامبر(ص) و امام علی(ع) را الگوی این نوع معاشرت می‌داند. ایشان به نمونه‌ای از سیره امام علی(ع) اشاره می‌کند که پس از اجرای حد (قطع دست دو دزد)، با محبت و مهربانی از آنان پذیرایی و معالجه می‌کند تا جایی که آنان از مداحان حضرت می‌شوند (خمینی، بی تا، ص.۱۶). از سیره حضرت مستفاد می‌گردد که اجرای حد بدون توحش و همراه با حفظ حرمت انسانی، مصداق حسن معاشرت در فقه اجتماعی است.

### ۱-۵-۵.خدمتگزاری به‌جای فرمانفرمایی

یکی از مصادیق حسن معاشرت در عرصه قدرت، تغییر ماهیت رابطه حاکمان با مردم از رابطه «فرمانفرما و فرمانبر» به رابطه «خدمتگزار و ملت» است. امام این تفاوت را جوهره تمایز نظام اسلامی از نظام طاغوتی می‌داند (خمینی،۱۳۸۹، ج۹، ص.۱۱۶). ایشان خطاب به مسئولان نظام تأکید می‌کند که خود را حاکم مردم ندانند، بلکه خود را خدمتگزار مردم بدانند و ارتش نیز باید خدمتگزار مردم باشد؛ اگر همه خود را خدمتگزار حساب کنند، انتظار مدح و ثنا نخواهند داشت (همان، ج۱۳، ص.۲۰۳). امام در تبیین فلسفه این نگاه می‌فرماید که با زور نمی‌توان موفقیت کسب کرد، بلکه با اخلاق و کردار خوب باید با مردم رفتار کرد تا پیش خدا و خلق آبرومند بود؛ اگر اسلحه نیز در دست است، با اخلاق باید مردم را خاضع کرد و خضوع قلبی میزان است و اگر بتوان قلب مردم را همراه کرد، این چیزی است که پیش خداوند دوام دارد (همان، ج۱۷، ص.۱۵).

### ۲-۵-۵.حسن معاشرت با مردم توسط نیروهای نظامی و انتظامی

امام بر لزوم تغییر نگاه مردم از ترس به محبت نسبت به نیروهای مسلح تأکید می‌کند و آن را مستلزم رفتار همراه با اخلاق اسلامی و انسانیت می‌داند. ایشان با اشاره به تجربه تلخ رژیم پهلوی که در آن فاصله عمیق و توأم با خشونت و ارعاب بین حاکمیت و مردم وجود داشت، بر ضرورت ایجاد رابطه‌ای مبتنی بر محبت و برادری تأکید می‌نماید (خمینی،۱۳۸۹، ج۸، ص.۱۲۶). ایشان به پاسداران و پرسنل کمیته انقلاب اسلامی گوشزد می‌کند که باید قدرت را بر موازین کتاب و سنت اعمال کنند و مراقب باشند مبادا به دیگران تعدی کنند یا به منزل کسی بروند یا کسی را بدون دلیل بازداشت نمایند (همان، ج۸، ص.۲۴۹ و ۲۵۶-۲۵۷). خطاب به نیروی انتظامی نیز می‌فرماید: همه مردم با شما یکسان هستند؛ اگر با مردم خوب رفتار کنید به نفع خودتان است و اگر بد رفتار کنید به ضرر خودتان خواهد بود (همان، ج۱۳، ص.۳۷۲).

### ۳-۵-۵.منع تجاوز به حریم خصوصی مردم

احترام به خانه و مال مردم، جلوه‌ای از حسن معاشرت در عرصه قدرت است که امام آن را به‌عنوان حکم شرعی و وظیفه انقلابی یادآوری می‌کنند. ایشان تأکید می‌کند که کسی حق ندارد به منزل مردم حمله کند و وارد آن شود؛ اگر اطلاع یافتند که مجرمی در منزلی است، باید مراقبت کنند تا فرار نکند و به مقامات مسئول اطلاع دهند تا او را بر اساس موازین دستگیر کنند (خمینی،۱۳۸۹، ج۶، ص.۲۶۴). همچنین لازم است که بدون کسب اجازه از دولت قانونی به خانه هیچ کس حمله نشود

و این حکم اسلامی است و تخلف از آن جایز نمی‌باشد (همان، ج۶، ص.۱۴۷). ایشان در جمع کارکنان کمیته‌های امداد می‌فرماید: پاسبان‌ها نباید به خانه مردم بروند مگر با دستوری که از طرف دادستان یا دادگاه صادر می‌شود؛ زیرا رفتن در حرز مردم بر اساس موازین شرعیه خلاف شرع است (همان، ج۱۰، ص.۲۷۴). تعبیر «حرز مردم» در این عبارت، اشاره به حریم وجودی و مکانی مؤمن دارد که مانند جان و مال او محترم و حمایت‌شده است. بنابراین از دیدگاه امام، کرامت مؤمن به بدن و آبروی او محدود نمی‌شود، بلکه خانه، اموال و فضای خصوصی زندگی او نیز در این حریم قرار می‌گیرد.

### ٤-٥-٥.حسن معاشرت با زندانیان و اسرای جنگی

امام با وجود شدت عمل در برابر جریان طاغوت و عمال آن، همواره بر رعایت اخلاق اسلامی و حسن معاشرت با زندانیان تأکید می‌نماید. به اعضای کمیته‌ها و زندانبانان حکم می‌کند که با زندانیان، هر که باشند، به طور انسانی و اسلامی رفتار کنند و از آزار و تنگنا و رفتار خشن و گفتار ناهنجار خودداری نمایند، زیرا در اسلام و حکومت عدل اسلامی این امور ممنوع و محکوم است (خمینی،۱۳۸۹، ج۶، ص.۲۶۳). حتی نسبت به کسانی که به ایشان اهانت کرده‌اند نیز تعرض نشود و همه را عفو می‌کند (همان، ج۶، ص.۲۶۴).

از دیدگاه ایشان، در حکومت اسلامی حتی اگر هر چه مجرم باشند، حق ندارند به زندانی گرسنگی بدهند، سیلی بزنند، شکنجه کنند یا یک کلمه درشت بگویند (همان، ج۷، ص.۳۱۰). در مورد اسرای جنگی نیز به رزمندگان سفارش می‌کند که رئوف و مهربان باشند و برادرانه رفتار کنند و زندان‌ها را به مدرسه آموزش و تربیت اخلاقی مبدل سازند؛ حتی کسی که مستحق حدود الهی از قتل و دیگر جزاهاست، باید از عطوفت مأموران برخوردار باشد (همان، ج۱۸، ص.۳۴۳).

### ٥-٥-٥.حسن معاشرت با اقشار در بستر اداری

امام یکی از اهداف اصلی حکومت اسلامی را نجات مستضعفان و رفع ستم از آنان دانسته و فرموده است که وظیفه داریم مردم مظلوم و محروم را نجات دهیم و پشتیبان مظلومان و دشمن ظالمان باشیم (خمینی، بی‌تا،ص.۳۷). ایشان در مورد خانواده شهدا و معلولان با تأکید ویژه فرموده است که باید از آنان خدمت و احترام کرد و با کمال خرسندی منت آنان را کشید و مبادا یک کلمه درشتی به بازماندگان شهدا یا معلولان گفته شود (خمینی، ۱۳۸۹، ج۱۳، ص.۵۱۷). همچنین ایشان بر معلولان و مصدومانی که اعضا و سلامت خود را در راه اعتلای قرآن کریم از دست داده‌اند تأکید کرده است که ملت شریف و اسلام بزرگ هرگز آنان را فراموش نخواهد کرد (خمینی، ۱۳۸۹، ج۱۱، ص.۴۸۳). امام در محیط کار و بستر اداری، حسن معاشرت و محبت با بیماران را وظیفه انسانی و عبادتی برتر از وظیفه پزشکی دانسته است (خمینی، ۱۳۸۹، ج۱۲، ص.۲۸۶). از منظر ایشان یکی از امور کمک‌کننده به بهبود بیماران، تقویت روحی آنان توسط پزشک و پرستار است؛ اگر به بیمار امید داده شود، محبت و نوازش شود و خدمت صادقانه و با روی خوش ارائه گردد، حتی اگر بیمار از دنیا برود، با روحی امیدوار و شیرین از دنیا خواهد رفت و این برای خدمت‌رسانان بسیار ارزشمند است (خمینی، ۱۳۸۹، ج۱۸، ص.۲۳۳).

نسخه غیر نهایی پیش از انتشار

## نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین جایگاه حسن معاشرت در فقه اجتماعی امام خمینی انجام شد. یافته‌ها نشان داد که این مفهوم، برخلاف قواعد فقهی مصطلح، کارکرد حل‌مسئله در موارد فقدان نص ندارد و از شمول کامل برخوردار نیست؛ زیرا در موارد نیاز به حکم، امام به قواعدی چون لاضرر، لاحرج و حرمت ایذاء تمسک می‌جوید. بااین‌حال، آنچه این اصل را از توصیه‌های صرفاً اخلاقی متمایز می‌کند، الزامات شرعی مستقلی است که در قالب احکام تکلیفی (مانند وجوب انظار معسر، حرمت اذیت همسایه و حرمت ایذاء مؤمن) تجلّی می‌یابد.

فایده فقهی صورت‌بندی این اصل در سه بُعد قابل تبیین است: نخست، ایجاد انسجام در نظام فقهی؛ زیرا احکام پراکنده مربوط به معاشرت اجتماعی در ابواب مختلف فقه پراکنده‌اند و صورت‌بندی آن‌ها ذیل یک اصل واحد، به انسجام و هماهنگی این احکام کمک می‌کند. دوم، جهت‌دهی به استنباط در موارد سکوت نص؛ زیرا در مواردی که نص خاصی وجود ندارد، این اصل می‌تواند به‌عنوان یک الگوی ارزشی، به فقیه کمک کند تا احکام را در راستای کرامت انسان و پرهیز از آزار او استنباط نماید. سوم، تمایز از توصیه‌های صرفاً اخلاقی؛ زیرا این اصل، برخلاف توصیه‌های اخلاقی غیرالزامی، دارای الزامات شرعی مستقلی است که در قالب احکام تکلیفی تجلّی می‌یابد.

تکلیف‌زایی جمعی این اصل، بر دو استدلال فقهی مستقل استوار است: نخست، امر به معروف و نهی از منکر که از واجبات مهم و ضامن بقای سایر واجبات اجتماعی است. بر این اساس، سکوت در برابر ظلم و بی‌تفاوتی در قبال آزار دیگران، خود نقض حسن معاشرت با جامعه و مظلومان محسوب می‌شود.دوم، قاعده تسبیب که بر اساس فتوای امام خمینی، هر چیزی که موجب تحریک، ترغیب یا تشویق به کار حرام شود، خود حرام است. بنابراین، زمینه‌سازی برای گناه دیگران نیز حرام است و این مسئولیت را از فعل مستقیم به زمینه‌سازی غیرمستقیم گسترش می‌دهد.

پاسخ به پرسش‌های پژوهش نشان داد که حسن معاشرت در فقه امام، اصلی ارزشی-اخلاقی است که از «کرامت مؤمن» نشأت گرفته و در سه سطح تشکیکی و پنج قلمرو فقهی قابل تطبیق است. فرضیه اصلی تأیید شد: مجموعه مستندات امام خمینی ظرفیت صورت‌بندی حسن معاشرت را به‌عنوان «اصل ارزشی-اخلاقی» دارا می‌باشد. فرضیه‌های فرعی نیز تأیید شد: مبنای هستی‌شناختی، کرامت مؤمن است؛ تقیه مداراتی اختصاص به اهل سنت دارد؛ و پنج قلمرو با مراتب الزام شرعی قابل تطبیق هستند.

این پژوهش، مدلی سه‌سطحی از مسئولیت معاشرتی ارائه می‌دهد: سطح حداقلی (ترک آزار مبتنی بر قاعده لاضرر)، سطح متوسط (مدارا و مهلت‌دهی مبتنی بر قاعده لاحرج) و سطح حداکثری (احسان و اصلاح‌گری مبتنی بر تقیه مداراتی، امر به معروف و اصلاح ذات‌البین).

نسخه غیر نهایی پیش از انتشار

دستاورد نظری پژوهش آن است که این اصل، همزمان با برخورداری از الزامات شرعی مستقل، به‌عنوان جهت‌دهنده و هماهنگ‌کننده در شبکه‌ای از قواعد پشتیبان عمل می‌کند و تکلیف‌زایی جمعی را تثبیت می‌نماید.

بر این اساس، پیشنهاد می‌شود: نظام حقوق خانواده بر مبنای سه سطح یادشده بازطراحی شود؛ «منشور همسایگی» با تأکید بر حرمت اذیت حتی بدون ضرر مالی تدوین گردد؛ و «تقیه مداراتی» در سیاست‌گذاری تعامل با مذاهب و اقلیت‌های دینی الگوسازی شود.

## منابع


*القرآن الکریم*

ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.

اشرفیان،حدیثه (۱۴۰۳).*مصادیق جدید اصل حسن معاشرت زوجین درنظام حقوقی ایران*. مطالعات حقوق، (۴۴)، ۱۸۹-۱۹۴.

انصاری،مرتضی بن محمدامین(۱۴۱۴ق).*رسائل فقهیه*. قم:مجمع الفکرالاسلامی.

برزوئی، زهرا؛ عنبریان، زهرا (۱۴۰۲).*تحلیل رابطه حسن معاشرت و تفاهم زوجین در اسلام*. قم:مدرسه تخصصی الزهرا (س).

بستانی، فواد افرام(۱۳۷۵). *فرهنگ ابجدی*، تهران: اسلامی.

خمینی،روح الله(۱۳۹۷). *هندسه‌ی انقلاب*. تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.

خمینی، روح‌الله(۱۳۸۹).*صحیفه امام*.تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

خمینی، روح‌الله(۱۳۷۲).*استفتائات*.قم: دفتر انتشارات اسلامی.

خمینی، روح‌الله(۱۳۸۵).*تحریرالوسیله*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

خمینی، روح‌الله(۱۴۱۵ق).*المکاسب المحرمة*، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

خمینی، روح‌الله(بی تا). *ولایت فقیه(حکومت اسلامی)*، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س).

خمینی، روح‌الله (۱۴۲۰ ق). *الرسائل العشرة*. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

خمینی، روح‌الله(۱۴۱۸). *تنقیح الأصول*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

خمینی، روح‌الله(۱۳۸۷). *بدائع الدرر فی قاعده نفی الضرر*. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

خمینی، روح‌الله (۱۴۲۱ ق).*الطهارة*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

خمینی، روح‌الله(۱۴۱۵ ق). *مناهج الوصول إلی علم الأصول*.تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.

رفسنجانی مقدم، مصطفی؛ محمدیان، علی (۱۳۹۴). *پژوهشی پیرامون ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی تکلیف زوجین نسبت به حسن معاشرت با یکدیگر*.مطالعات راهبردی زنان،18(۷۰)، ۷-۴۶.


نسخه غیر نهایی پیش از انتشار

سیدحسینی، سعید؛ محمدجعفری، رسول (۱۴۰۲). *واکاوی مفهوم «معاشرت به معروف» در آیه ۱۹ سوره نساء و نقش آن در تکالیف حقوقی زوجین*.پژوهش‌های قرآنی،۲۸(۱۰۹)، ۲۷-۴۴.

سیدحسینی، سعید (۱۴۰۲). *دیدگاه علامه طباطبایی در معنای «معروف» و تأثیر آن بر قلمرو قاعده معاشرت به معروف و تفسیر ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی*. دوفصلنامه فقه و حقوق خانواده، ۲۸(۷۹)، ۵۲-۳۱.

شهید اول، محمدبن‌مکی(بی تا). *القواعد و الفوائد فی الفقه و الاصول و العربیه*. قم:مفید.

سبزواری، سیدعبدالاعلی(۱۴۱۷ق). *تهذیب الاصول*. بیروت:مؤسسه منار.

طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه (۱۳۸۷). *مبانی حسن معاشرت به معروف در نظام حقوقی خانواده از منظر قرآن کریم*.فقه و حقوق خانواده، ۱۳(۴۸) ، ۲۷-۵.

عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۹). دانشنامه فقه سیاسی.تهران: دانشگاه تهران.

فاضل لنکرانی، محمدجواد(۱۳۹۴).*قاعده من ملک*.قم:مرکز فقهی ائمه اطهار(ع).

ملکشاه، آرزو و دیگران (۱۴۰۳).*واکاوی حسن معاشرت زوجین و نقش آن در سلامت معنوی خانواده*.مجله حقوق سلامت،۱۲(۲)، ۱۰-۱.

مکارم شیرازی، ناصر(۱۴۱۱ق). *القواعد الفقهیه*. قم، مدرسه امام‌علی‌بن‌ابی‌طالب(ع).

نوبهار، رحیم؛ حسینی، ام‌البنین (۱۳۹۴). *قاعده «لزوم معاشرت به معروف» در روابط زن و شوهر*،خانواده‌پژوهی، ۱۱(۴۱)، ۵۳-۷۲.

نریمانی، علی (۱۴۰۱). *ترجمه و شرح مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه منسوب به امام صادق (ع)*.قم: ذوی القربی.

نوری، حسین بن محمد تقی(۱۴۰۸ق) *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*.قم: مؤسسهٔ آل البیت علیهم السلام.

نسخه غیر نهایی پیش از انتشار